

مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت در حقوق ایران، آمریکا و انگلیس

ایرج بابایی^۱، شبیر آزادبخت^۲

چکیده

یکی از حقوق معنوی مربوط به شخصیت اشخاص، حق بر شهرت است. نظام‌های حقوقی به شیوه‌های متفاوتی از این حق حمایت کرده و در حقوق آمریکا و انگلیس از عنوان «هتک شهرت» بهره برده‌اند. پرسش آن است که مفهوم، مبنا، شرایط و ارکان مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت کدام است و در دو نظام حقوقی پیش گفته، چه نوع دفاعیاتی به رسمیت شناخته شده است. آیا در حقوق ایران امکان طرح دعوی مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت وجود دارد؟ این نوشتار با رویکردی تحلیلی توصیفی و با نگاهی تطبیقی به حقوق آمریکا و انگلیس، به قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت در حقوق ایران دست می‌یابد و نتیجه می‌گیرد که مبنای این مسئولیت در حقوق انگلیس، مطلق و در حقوق آمریکا و ایران، مبتنی بر تقصیر است. همچنین ارکان آن عبارت است از: وجود اظهارات ضد شهرت، انتشار اظهارات، انتساب آن به زیان‌دیده و ورود زیان. به علاوه، رضایت خواهان، منفعت عمومی و ... از جمله دفاعیات هتک شهرت و عوامل ایجادکننده تعادل میان حق آزادی بیان و حق بر شهرت در حقوق آمریکا و انگلیس است که به نظر می‌رسد صرفاً منفعت عمومی به عنوان دفاع در حقوق ایران قابل پذیرش باشد.

واژگان کلیدی: هتک شهرت، حق شهرت، آزادی بیان، خسارت معنوی، مسئولیت

مطلق، مسئولیت مبتنی بر تقصیر، منفعت عمومی.

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران.

babaei.i@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
shobeir_azadbakht95@atu.ac.ir

درآمد

از انواع حقوق معنوی مربوط به شخصیت، «حق بر شهرت»^۱ است. نظام‌های حقوقی در صددند تا با شناسایی مسئولیت کیفری و مدنی برای ناقضان این نوع از حقوق، از آن حمایت کنند. البته نظام‌های حقوقی و دکترین در پذیرش مبنای حق بر شهرت به یک مسیر نرفته‌اند؛ برخی شهرت را به مثابه مال و برخی دیگر به مثابه حاصل کار و تلاش دانسته‌اند؛ عده‌ای نیز حق بر شهرت را از طریق حقوق مالکیت فکری، حقوق رقابت غیرمنصفانه و حقوق مصرف‌کنندگان توجیه کرده‌اند (میرشکاری، ۱۴۰۲: ۱۷-۳۷). با توجه به موضوع این پژوهش که در آن منظور از شهرت صرفاً آبرو، حیثیت و اعتبار اشخاص است، به نظر می‌رسد که بتوان مبنای حق بر شهرت را در این زمینه به عنوان مصداقی از حقوق شخصیت و بشر توجیه نمود. به لحاظ قانونی نیز، اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۲ و مواد ۱، ۸ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹،^۳ حق بر حیثیت و شهرت را به رسمیت شناخته است.

در حقوق انگلیس و آمریکا، یکی از منابع مسئولیت مدنی، قالب «هتک شهرت»^۴ است که به طور مفصل در حقوق این دو کشور مورد بررسی قرار گرفته

1. Reputation

۲. «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

۳. ماده ۱: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارته‌ای یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد»؛ ماده ۸: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است. شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت مشتریان کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از واردکننده مطالبه نماید»؛ ماده ۱۰: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید».

4. Defamation

۵. دلیل ذکر عنوان «قالب مسئولیت مدنی» آن است که «حقوق دانان کامن‌لو نظریه کلی راجع به ایراد خسارت به دیگری را طرح نکرده‌اند و تحت عنوان کلی مسئولیت مدنی (Torts) مباحث راجع به

است،^۱ اما در حقوق ایران عنوان مستقلی برای حمایت از شهرت اشخاص وجود ندارد. البته فقدان عنوان مستقل به معنای عدم امکان استخراج قواعد حاکم بر این دعوا در حقوق ما نیست.

حق بر شهرت در مواقعی ممکن است با حق «آزادی بیان»^۲ در تراحم قرار گیرد. آزادی بیان حقی است که در نصوص مختلف بین‌المللی (ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰)^۳ مورد تأکید قرار گرفته است. هدف از این حق، بیان آزادانه عقاید، اندیشه‌ها و تفکرات فرد و انتقال این موارد به دیگران است. این احساس طبیعی در همه انسان‌ها وجود دارد که بتوانند بدون دغدغه خاصی آنچه را که می‌خواهند نزد اشخاص دیگر مطرح کنند. این اندیشه‌ها می‌تواند مشتمل بر موضوعات مرتبط با یک شخص باشد. اینجاست که حق بر حفظ آبرو و شهرت اشخاص وارد عمل می‌شود؛ «الف» ادعا می‌نماید که فلان موضوع به دلیل آزادی بیان به درستی مطرح شده و بایستی اظهارات یادشده در خصوص شخص «ب» به اطلاع دیگران می‌رسید؛ و در مقابل، «ب» ادعا دارد که با ذکر اظهارات مذکور، حق بر شهرت وی آسیب دیده است.^۴ آیا حق بر شهرت مرجح است یا حق بر آزادی بیان؟ نحوه تعادل میان این دو حق چگونه است؟ مبنا و ارکان مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت کدام‌اند؟ این نوشتار با رویکردی تحلیلی-توصیفی و با نگاهی تطبیقی به حقوق آمریکا و انگلیس، به پرسش‌های فوق پاسخ می‌دهد و در این راستا، ابتدا مفهوم و مبنای مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت را بررسی می‌کند و سپس با تبیین ارکان مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت، در پایان، دفاعیات به عنوان عوامل ایجاد تعادل میان آزادی بیان و شهرت را مورد بررسی قرار می‌دهد.

تکلیف جبران خسارت وارده به دیگری را در چهارچوب متکثر و در ابواب مختلف به تفکیک نحوه ایراد خسارت یا طبیعت خسارات وارده... طرح کرده و شرایط و آثار هر مورد را به تفکیک مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند» (بابایی، ۱۴۰۱: ۶۸).

1. See: Epstein & Hall, 1990: 1065

2. Freedom of expression

3. European Convention on Human Rights 1950: "Everyone has the right to freedom of expression"

۴. برای مطالعه جامع و کامل تعارض حق بر شهرت و حق آزادی بیان، بنگرید به: میرشکاری، ۱۴۰۲: ۱۱۵-۱۱۹؛ همو، ۱۳۹۹: ۲۲۵-۲۲۶.

۱. مفهوم هتک شهرت

هتک در لغت به معنای «دریدن، از بین بردن و نابودن کردن» است (انوری، ۱۳۹۰/۲: ۲۵۹۰) و هتک شهرت را «آسیب رساندن به شهرت دیگری از طریق ایراد اظهارات کذب به شخص ثالث» (Garner, 2004: 448) یا «انتشار ضد شهرت مطلبی نادرست در مورد یک شخص که هدف از آن، تحقیر شخصیت وی نزد افراد درست‌اندیش جامعه یا منزوی کردن یا فاصله گرفتن از وی باشد» بیان کرده‌اند (هاشم‌بیگی، ۱۴۰۰: ۲۶۲).

هتک شهرت در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی ایران دارای حقیقت قانونی نیست و برای احاطه بر مفهوم هتک شهرت بایستی به مواضع قانون‌گذار در حقوق کیفری مراجعه نمود. در این مسیر، نقطه ثقل بحث‌های مربوط به هتک شهرت را بایستی در عناوین کیفری مانند توهین، افتراء و هتک حیثیت جست‌وجو کرد و تا حد لزوم و تا جایی که با قواعد مسئولیت مدنی در تضاد نباشد، از حقوق کیفری بهره برد. بر این بنیاد، قانون‌گذار در قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۸ و ۶۰۹ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات اشعار داشته است: «از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و ... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تحقیر و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد»^۱.

در حقوق آمریکا، ماده ۵۵۹ دومین بازتیین مسئولیت مدنی ۱۹۷۹^۲ مقرر می‌دارد: «یک ارتباط در صورتی ضد شهرت است که به شهرت دیگری لطمه بزند؛ به گونه‌ای که ارزیابی او را در جامعه پایین بیاورد یا اشخاص ثالث را از معاشرت یا معامله با او باز دارد». مشابه این تعریف در نوشته‌های اندیشمندان انگلیسی نیز آمده است (Cooke, 2007: 400)^۳.

۱. برای ملاحظه تعریف هتک حرمت، بنگرید به: امیری و دیگران، ۱۴۰۰: ۷.

2. Restatement of the Law, Second, Torts 1979

۳. مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت یک شخص را نباید با مفهوم «حق جلوت» و «حق بر حریم

در تعریف مذکور در ماده ۵۵۹، بر خلاف تعریف ارائه شده در فرهنگ حقوقی آکسفورد و بلک، سخنی از کذب بودن اظهارات عامل زیان نیامده است، اما این عدم اشاره به کذب یا راست بودن اظهارات، تاثیری در اصل نهاد هتک شهرت ندارد؛ زیرا اساساً در حقوق آمریکا و انگلیس تا زمانی که بیانات خواننده کذب نباشد، مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت شکل نمی‌گیرد و دقیقاً به همین علت است که یکی از دفاعیات مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت، دفاع «حقیقت» است (Keeton et al., 1984: 839)؛ اگر خواننده ثابت نماید که اظهاراتش حقیقت داشته، از مسئولیت بری می‌شود (Franklin & Rabin, 1996: 902)، و همین موضوع مؤید آن است که کذب بودن در مفهوم این نوع از مسئولیت مدنی نهفته است؛ زیرا اگر نادرست بودن ادعا رکن نبود، ذکر عنوان دفاعی موسوم به دفاع حقیقت معنا نداشت.^۱ با وجود این، به نظر می‌رسد که در حقوق ایران لزومی به احراز نادرست یا کذب بودن اظهارات نیست. همین که اظهارات ضد شهرت آبرو و حیثیت خواهان را تحت تاثیر قرار دهد؛ ولو این که مطابق واقع باشد، هتک شهرت محقق خواهد شد.

شأن وجود نهاد هتک شهرت در حقوق انگلیس و آمریکا، حمایت از شهرت اشخاص، اعم از حقیقی زنده یا حقوقی خصوصی (نه عمومی و دولتی) است (Peel & Goudkamp, 2014: at 13-037)؛ به نقل از: میرشکاری، ۱۳۹۶: ۱۵۷). بر این اساس، قائم مقام متوفیان و نمایندگان اشخاص حقوقی عمومی نمی‌توانند به علت هتک شهرت شخص مرده و یا سازمان متبوع خویش، دعوای مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت طرح نمایند. موضع حقوق ایران تا حدی متفاوت است.

خصوصی» خلط نمود: حق جلوت: در هردو نهاد نوعی تعرض به شهرت اشخاص وارد شده، لکن یک مورد مرتبط با بهره‌برداری اقتصادی (حق جلوت) و دیگری در ارتباط با آبرو و حیثیت (هتک شهرت) است. برای مطالعه بیشتر در خصوص نهاد حق جلوت، بنگرید به: میرشکاری، ۱۴۰۲؛ حریم خصوصی: حریم خصوصی قلمرویی از زندگی فرد است که وی انتظار دارد که دیگران بدون رضایت وی وارد این قلمرو نشوند، به اطلاعات مربوط به آن دسترسی نداشته باشند و یا مسائل خصوصی را برای دیگران افشاء نکنند (انصاری، ۱۴۰۰: ۳۸-۳۹)؛ بنابراین در ذات مفهوم حریم خصوصی، بر خصوصی بودن اطلاعات و زندگی تأکید می‌شود؛ حال آن که، اولاً در هتک شهرت تفاوتی میان اطلاعات خصوصی و غیر خصوصی نیست، بلکه مهم آن است که شهرت شخص آسیب ببیند؛ و ثانیاً، در هتک شهرت، صرف دستیابی به اطلاعات خصوصی اشخاص کفایت نمی‌کند، بلکه بایستی عنصر «انتشار» نیز وجود داشته باشد.

۱. در مقابل، برخی معتقدند که کذب بودن رکن و عنصر مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت نیست، اما صحت اظهارات دفاع محسوب می‌شود (Peel & Goudkamp, 2014: at 13-038).

وجه تشابه آن است که با توجه به ماده ۹۵۶ قانون مدنی زنده بودن شخص حقیقی برای شروع اهلیت تمتع ضروری است؛ لذا نظر به عدم اهلیت تمتع متوفا و این که وی صاحب حق محسوب نمی‌شود، قائم‌مقامان متوفا نمی‌توانند برای هتک شهرتی که پس از مرگ شخص رخ داده، اقامه دعوا کنند. مؤید این دیدگاه، تبصره ۲ ماده ۳۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ می‌باشد که اشعار می‌دارد: «هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هتاکی به بازماندگان وی به حساب آید، هر یک از ورثه قانونی می‌تواند ... اقامه دعوی نماید». مفهوم مخالف این تبصره آن است که در صورتی که هتک شهرت نسبت به شخص متوفا بوده، اما ارتباطی با ورثه نداشته باشد، ایشان نمی‌توانند به علت مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت اقامه دعوا نمایند، اما وجه تمایز، امکان اقامه دعوی مسئولیت مدنی توسط اشخاص حقوقی عمومی بر اساس بند ۸ از ماده ۲ قانون یادشده است. بر این بنیاد، به نظر می‌رسد که محدودیت اشخاص حقوقی عمومی که در حقوق انگلیس و آمریکا مطرح است، در حقوق ایران قابل اعمال نیست.

شبه جرم هتک شهرت صرفاً برای حمایت از اشخاص مشهور مانند بازیگران، فوتبالیست‌ها و ... نیست، بلکه منظور اعتبار، آبرو و حیثیت هر شخصی است که حتی اگر نزد یک فرد آشنا مانند دوست خدشه‌دار شود، باز هم این نوع از مسئولیت مدنی ایجاد خواهد شد.

۲. اقسام هتک شهرت

هتک شهرت در حقوق انگلیس و آمریکا به دو دسته تقسیم می‌شود: ماندگار^۱ و غیرماندگار^۲ (Edwards & Cull, 2022: 396). منظور از هتک شهرت ماندگار آن است که نحوه اظهار به صورت پایدار و ماندگار^۳ باشد.^۴ نوشتن، ضبط فیلم یا صدا تحت شمول این نوع از هتک شهرت قرار می‌گیرد (Harpwood, 2009: 372). البته مصادیق دیگری نیز به موجب قوانین خاص به عنوان هتک شهرت ماندگار

1. Libel

2. Slander

3. Permanent

۴. برای ملاحظه انواع هتک شهرت ماندگار در حقوق آمریکا، بنگرید به: Prosser, 1960: 839-840.

در نظر گرفته شده است. بر اساس ماده ۱۶۶ قانون پخش انگلیس مصوب ۱۹۹۰^۱ انتشار اظهارات ضد شهرت به صورت واژگان، تصاویر، ایما و اشاره و مواردی از این دست که در زمره اظهار و بیان هستند، در صورتی که از طریق رادیو یا تلویزیون باشند، مشمول عنوان هتک شهرت ماندگار قرار می‌گیرد. همچنین مطابق ماده ۴ (۱) قانون تئاترهای سال ۱۹۶۸^۲ ابراز اظهارات ضد شهرت در جریان اجرای تئاتر، به عنوان هتک شهرت ماندگار در نظر گرفته می‌شود. منظور از هتک شهرت غیرماندگار مواردی است که نحوه ابراز اظهارات ضد شهرت به صورت ناپایدار و موقت^۳ باشد. اگر شخصی با ایما و اشاره به شهرت دیگری آسیب برساند، این موضوع با توجه به موقت و گذرا بودن آن عمل، در شمول هتک شهرت غیرماندگار قرار می‌گیرد. در حقوق آمریکا نیز همین موضع اتخاذ شده است. بند الف از ماده ۵۶۸ دومین بازتبین مسئولیت مدنی اشعار می‌دارد که هرگونه انتشار مطلب ضد شهرت از طریق رادیو و تلویزیون می‌باید هتک شهرت ماندگار تلقی شود. البته اندیشمندان آمریکایی تصریح کرده‌اند که شفایی یا کتبی بودن نمی‌تواند معیار قاطعی باشد؛ بنابراین حتی خواندن بلند یک مطلب ضد شهرت از روی یک نوشته نیز به عنوان هتک شهرت ماندگار تلقی شده است (Keeton et al., 1984: 786-787).^۴ در حقوق ایران لزومی ندارد که هتک شهرت در قالب خاصی قرار گیرد (انصاری، ۱۳۹۲: ۳۶)؛ لذا صرف اظهار یک موضوع ضد شهرت صرف نظر از وسیله ابراز آن، برای تحقق عنوان هتک شهرت کافی است؛ پس اظهار یک موضوع ضد شهرت توسط فاعل زیان، خواه ماندگار باشد یا غیر ماندگار، منجر به تحمیل مسئولیت مدنی به وی خواهد شد.

۳. مبنای هتک شهرت

مبنای مسئولیت مدنی در هر نظام حقوقی بر اساس اهداف و رویکردهایی تعیین می‌شود که یک نظام حقوقی با توجه به شرایط موجود در آن نظام در نظر می‌گیرد: برخی نظام‌ها هدف بازدارندگی از ارتکاب تقصیر را دنبال کرده و برخی

1. Broadcasting Act 1990

2. Theatres Act 1968

3. Temporary

۴. در کامن‌لا برخی تقسیم‌بندی فوق را بی‌مورد دانسته‌اند (Peel & Goudkamp, 2014: at 13-). (035)

دیگر به جبران هرچه بیشتر خسارات وارده و حمایت حداکثری از زیان‌دیدگان نظر دارند (بابایی، ۱۴۰۱: ۱۵۵).

نظام حقوقی باید میان ترجیح دو حق آزادی بیان و حق بر شهرت بر یکدیگر دست به انتخاب بزند. اگر هدف اصلی حمایت از شهرت اشخاص باشد، اصولاً «مسئولیت مطلق»^۱ حاکم خواهد شد و در صورتی که آزادی بیان به عنوان حق عالی در نظر گرفته شود، مسئولیت بایستی بر مبنای «تقصیر»^۲ باشد؛ توضیح آن‌که، با عنایت به این‌که در مسئولیت مطلق اثبات تقصیر خواننده لازم نیست، به محض طرح دعوا توسط خواهان و اثبات سایر ارکان مسئولیت مدنی (به جز تقصیر) از حق بر شهرت وی حمایت خواهد شد، اما اگر مسئولیت مبتنی بر تقصیر باشد، خواهان به صرف اثبات سایر ارکان مسئولیت مدنی نمی‌تواند خسارات خود را مطالبه نماید، بلکه لازم است تقصیر را نیز به اثبات برساند. به همین مناسبت، طبیعتاً در نظامی که مبتنی بر مسئولیت مطلق است، به دلیل عدم نیاز به اثبات تقصیر، حمایت بیشتری از حق بر شهرت اشخاص صورت می‌پذیرد؛ حال آن‌که در نظام مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، این حمایت به دلیل لزوم اثبات تقصیر، کمتر است.

پس از ذکر این مقدمه، در بندهای آتی، بدو مبنای مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت در حقوق انگلیس و آمریکا و تفاوت مهم میان این دو نظام حقوقی مورد بحث قرار می‌گیرد. در مرحله بعد، مبنای قابل پذیرش در حقوق ایران بیان خواهد شد.

۳-۱. حقوق انگلیس و آمریکا

در حقوق سنتی انگلیس، شهرت ارزش بیشتری نسبت به آزادی بیان و اطلاعات داشته‌است و به همین دلیل است که مباحث مربوط به حفاظت از آزادی بیان در بخش دفاعیات مربوط به نهاد مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت آمده‌است (Cane, 1997: 134). این‌گونه به نظر می‌رسد که جایگاه حق بر شهرت و حق بر

1. Strict liability

در این نوشتار واژه «Strict» به مسئولیت مطلق ترجمه شده است (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۳۲-۱۳۳). عده‌ای دیگر از این موضوع با عنوان مسئولیت محض یاد کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۲۹-۱۳۰؛ عباسلو، ۱۳۹۴: ۲۸-۳۱). در هر صورت، آنچه در این پژوهش از عبارت «مسئولیت مطلق» مورد نظر است، مسئولیت بدون تقصیر می‌باشد.

2. Fault-based liability

آزادی بیان در این نظام حقوقی به صورت اصل و فرع است. اصل آن است که حق بر شهرت ارجحیت دارد؛ یعنی خواهان که ادعای نقض حق شهرت دارد، در جایگاه برتر قرار می‌گیرد. کامن‌لای انگلیسی می‌خواهد از او حمایت کند و به همین خاطر، از طرف مقابل می‌خواهد برای رد ادعای خواهان به دفاع پردازد. اگر حق بر آزادی بیان در حقوق این کشور ارجحیت داشت، موضوع باید به عکس می‌بود؛ یعنی این خواهان بود که در موضع ضعف قرار داشت و باید بدو ادعای خود را اثبات می‌کرد. خواننده نیز نیازی به دفاع در مقابل ادعای طرف مقابل نداشت و ادعای او بدون دفاع پذیرفته می‌شد؛ زیرا اصل بر آن بود که او از حق آزادی بیان خود استفاده کرده است. نتیجه این رویکرد آن است که مبنای مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت، مسئولیت مطلق (بدون تقصیر) است؛ ریشه این نوع از مسئولیت به این عبارت معروف بازمی‌گردد: «هر آنچه را که انسان منتشر می‌کند، با خطر خود منتشر می‌کند» (Ho Youm, 2008: 421)؛ لذا تفاوتی نمی‌کند که خواننده در انتشار مطالب ضد شهرت مقصر است یا خیر.

هرچند که با توجه به ریشه کامن‌لایی حقوق آمریکا، سابقاً مبنای مسئولیت مطلق در این زمینه حاکم بود، اما در حال حاضر، به عکس، کفه ترازو به سمت آزادی بیان سنگینی می‌کند. این تحول از پرونده سولیان^۱ شروع شد. در این پرونده دیوان عالی با استناد به اولین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا از مبنای مسئولیت مطلق در یک سری از موضوعات عدول کرد. این دیوان اشعار داشت که مطابق قانون اساسی، یک «مقام دولتی»^۲ از امکان مطالبه خسارت ناشی از هتک شهرت در صورتی که هتک شهرت مربوط به رفتار^۳ و حوزه امور مربوط به آن مقام دولتی باشد، ممنوع شده است؛ مگر این که آن مقام دولتی بتواند «سوء نیت واقعی»^۴ خواننده را اثبات کند.

1. New York Times Co. v. Sullivan, 376 U.S. 254 (1964)

2. Public official

3. Official conduct

4. Actual malice

منظور از سوء نیت واقعی آن است که خواننده با علم این که مطلب ضد شهرت است، آن را منتشر می‌کند یا در احراز این که مطلب ضد شهرت است یا خیر بی‌احتیاطی نموده و آن را منتشر کند (Ho Youm, 2011: 2).

این رویکرد در دعوی بوتس^۱ در سال ۱۹۶۷ به «شخصیت‌های عمومی»^۲ و در سال ۱۹۷۱ در قضیه مترومدیا^۳ به اشخاص خصوصی‌ای که دخیل در امور مربوط به منفعت عمومی هستند، در صورتی که اظهارات ضد شهرت مربوط به همان مسائل باشد، تسری یافت. همچنین در دعوی معروف گرتز^۴ در سال ۱۹۷۴ دیوان عالی بیان داشت که اولین اصلاحیه قانون اساسی اجازه تحمیل مسئولیت علیه یک رسانه عمومی که مطالب ضد شهرت را در مورد اشخاص یا مسائل خصوصی، بدون این که تقصیری مرتکب شده باشد منتشر می‌کند نمی‌دهد.

با این حال، در مورد یک فرض همچنان رویه خاصی در دیوان عالی آمریکا شکل نگرفته است و آن این که، اگر یک شخص در مورد مسائلی که هیچ ارتباطی با نفع عمومی ندارد (یعنی کاملاً خصوصی است) مطلب ضد شهرتی منتشر کند، آیا اثبات تقصیر وی لازم است یا به صرف انتشار باید او را مسئول شناخت؟ بسیاری از ایالات در این فرض، اثبات مسامحه خوانده را لازم می‌دانند (Johnson, 2016: 30-31). بنا بر مطالب پیش گفته، هم‌اکنون موضع نظام حقوقی آمریکا در خصوص هتک شهرت مبتنی بر مبنای تقصیر است.^۵

۲-۳. حقوق ایران

در قانون مدنی نسبت به مبنای مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت نصی وجود ندارد؛ با وجود این، در اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از عبارت «اعاده حیثیت» و در تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از عبارت «هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی» نام برده شده که البته تمامی این نصوص منحصراً اصل جبران خسارات وارد بر حیثیت^۶ اشخاص را به رسمیت می‌شناسد و دلالتی بر مبنای این نوع از مسئولیت مدنی ندارد. با این حال، این سکوت به معنای وجود خلاء در نظام حقوقی

1. Curtis Publishing Co v. Butts, 338 U.S. 130 (1967)

2. Public figures

3. Rosenbloom v. Metromedia, 403 U.S. 29 (1971)

4. Gertz v. Robert Welch, Inc, 418 U.S. 323 (1974)

5. See: Johnson, 2016: 27; Keeton et al., 1984: 810; Mitchell, 2005: 101-120.

۶. برای مطالعه شیوه‌های مختلف جبران خسارات معنوی ناشی از هتک شهرت و حیثیت، بنگرید به: میرشکاری و حسینی، ۱۴۰۲: ۳۵۱-۳۷۸.

ایران نیست؛ چراکه ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در این زمینه قابل استناد به نظر می‌رسد؛ بنابراین همان‌طور که مشخص است، مبنای مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت در حقوق ایران مبتنی بر تقصیر است؛ چراکه هتک شهرت بایستی «عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی» عامل زیان صورت پذیرفته باشد. با این اوصاف، برای تحقق این نوع مسئولیت و جبران خسارت معنوی ناشی از آن لازم است تقصیر رخ دهد (اسماعیلی، ۱۴۰۲: ۸ و ۳۷-۴۰). این رویکرد صحیح به نظر می‌رسد. توضیح آن‌که، اعمال برخی از حقوق اشخاص مانند آزادی بیان همواره با حق بر شهرت در تراحم است؛ یعنی در بسیاری از مواقع، بهره‌گیری از حق آزادی بیان لااقل می‌تواند منجر به ورود خسارت معنوی شود؛ بنابراین میان این‌که شخص در حال استفاده از حق آزادی بیان خویش است یا با استفاده از این حق در حال نقض حق بر شهرت دیگران و در نتیجه، تحمیل زیان معنوی است، مرز باریکی وجود دارد. به نظر می‌رسد که اگر در این وضعیت، مسئولیت بدون تقصیر پذیرفته شود، «چیزی از آزادی‌های عمومی همچون حق آزادی بیان و حق فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی باقی نخواهد ماند و شناخت مسئولیت افراد به صرف انتقاد و افشای رفتارهای ناصواب دیگران به علت آن‌که این انتقادات به هر حال موجب آزرده‌گی و کسر حیثیت و آبروی افراد می‌شود (هرچند که انتقادات و اخبار صحیح و واقعی باشند) نفی آزادی‌های اساسی افراد خواهد بود» (بابایی، ۱۴۰۱: ۲۰۷). این دیدگاه با نظر مشهور حقوق‌دانان (صرف‌نظر از درستی یا نادرستی این نظر) که مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران را «تقصیر» می‌دانند، سازگار است (کاتوزیان، ۱/۱۳۹۵: ۲۲۰؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹: ۷۷). از این رو، تا زمانی که تقصیر عامل زیان به اثبات نرسد، امکان مسئول شناختن او و اخذ خسارت معنوی وجود ندارد (نقیبی، ۱۳۸۸: ۱۱۵-۱۱۶).

۴. ارکان هتک شهرت

ارکان هتک شهرت عبارت است از: اولاً، برای تحقق هتک شهرت وجود یک اظهار ضد شهرت ضروری است؛ ثانیاً، این اظهار ضد شهرت بایستی به شخص زیان‌دیده منتسب شود، یعنی با بررسی اوضاع و احوال حاکم بر قضیه این‌گونه به نظر برسد که موضوع مطرح‌شده مربوط به زیان‌دیده است؛ ثالثاً، آن اظهارات ضد شهرت منتشر شود و رابعاً، بایستی ورود زیان احراز گردد

(Finch & Fafinski, 2017: 203; Peel & Goudkamp, 2014: at 13-031).

۱-۴. وجود اظهارات ضد شهرت

در خصوص تعریف این اصطلاح اقوال مختلف است که البته این امر با توجه به عرفی بودن مفهوم اظهارات ضد شهرت بدیهی می‌باشد. در حقیقت، نظر به سیال بودن مفهوم عرف در زمان و مکان، این امر که یک واژه در یک زمان و مکان ضد شهرت بوده، اما در زمان و مکان دیگر مشتمل بر هیچ مفهوم ضد شهرتی نباشد، طبیعی به نظر می‌رسد (Elliot & Quinn, 2017: 233).

در فرهنگ حقوقی بلک اظهارات ضد شهرت عبارت است از: «اظهاراتی که تمایل به آسیب رساندن به شهرت یک شخص، معمولاً از طریق تحقیر کردن، رسوایی یا تمسخر عمومی یا تاثیر نامطلوب بر کسب و کار فرد دارد.» (Garner, 2004: 449). در حقوق انگلیس، مفهوم اظهارات ضد شهرت در پرونده سیم^۱ در سال ۱۹۳۶ توسط لرد آتکین تبیین شد. مطابق معیار ارائه شده در این دعوا، برای تشخیص ضد شهرت بودن اظهارات خواننده، باید این سوال را از خود پرسید که «آیا این کلمات به طور کلی باعث پایین آمدن خواهان در برآورد اعضای درست‌اندیش جامعه می‌شود؟» (Steele, 2014: 674). در پرونده یوسوپوف^۲ این معیار توسعه یافت. بر این بنیاد، اظهاراتی ضد شهرت محسوب می‌شود که باعث «دوری و اجتناب کردن»^۳ دیگران شود. وانگهی، سابقه کامن‌لای انگلیسی مؤید آن است که اگر اظهارات ضد شهرت مربوط به شیوه اداره کسب و کار شخص باشد؛ به نحوی که این اظهارات به صورت بالقوه یا بالفعل بر اعتبار آن کسب و کار تاثیر بگذارد، گوینده دارای مسئولیت بوده و باید پاسخ‌گو باشد (McBride & Bagshaw, 2018: 549).

در حقوق آمریکا مطابق ماده ۵۵۹ دومین بازتیین مسئولیت مدنی ۱۹۷۹، در دو صورت وجود اظهارات ضد شهرت احراز می‌شود: ارزیابی او را در نظر جامعه پایین بیاورد و یا باعث شود که اشخاص ثالث از معاشرت یا معامله با او امتناع نمایند.

موضع حقوق ایران نیز متمرکز بر عرف و سیال بودن مفهوم «ضد شهرت»

1. Sim v. Stretch (1936), 2 All ER 1237

2. Youssouppoff v. MGM Pictures Ltd (1934)

3. Shunned and avoided

است. البته وضعیت خواهان در تعیین ضد شهرت بودن اهمیت دارد (مستفاد از قانون استفساریه). ممکن است بیان یک موضوع برای شخص «الف» به دلیل جایگاه اجتماعی و شغلی وی ضد شهرت تلقی شود، اما همین مطلب برای شخص «ب» ضد شهرت نباشد.

در این خصوص، چند نکته قابل ذکر به نظر می‌رسد:

اولاً، معیار تشخیص در حقوق انگلیس، آمریکا (Peel & Goudkamp, 2014: 13-003) و همچنین ایران، نوعی است؛ در حقوق انگلیس قاضی برای احراز ضد شهرت بودن اظهارات، بررسی می‌کند که آیا معنای عادی اظهارات مطرح شده در نظر افراد «عادی، معقول و منصف»^۱ جامعه ضد شهرت محسوب می‌شود یا خیر.^۲ مطابق پرونده‌های اسکوز و بونیک،^۳ این شخص به اصطلاح متعارف، نه آنچنان ساده لوح است که نتواند اظهارات ضد شهرت را تشخیص دهد و به آسانی از کنار آن بگذرد و نه آنچنان دارای سوء ظن و شک است که غالب اظهارات فاقد هتک شهرت را ضد شهرت تلقی کند (Markesinis & Deakin, 2019: 631). در حقوق آمریکا به عکس، توجه دادگاه‌ها برای تشخیص ضد شهرت بودن معطوف به یک شخص متعارف نیست، بلکه تمرکزها بر یک گروه یا دسته‌ای از اشخاص است (Franklin et al., 2017: 285-286). تاریخچه این رویکرد به پرونده پک^۴ بازمی‌گردد که دومین بازتبین مسئولیت مدنی در سال ۱۹۷۹ نیز از آن پیروی کرده است. بر این اساس، باید دید که اظهارات بیان شده باعث می‌شود که احترام خواهان در نظر گروه قابل توجه محترمی کاهش یابد یا خیر؛ هر چند که آن گروه در اقلیت باشد (Epstein & Hall, 1990: 1078-1079). مطابق دیدگاه برخی از اندیشمندان آمریکایی، لزومی ندارد که اظهارات ادعایی در دادگاه از طریق معیار «مردم درست اندیش» سنجش شود. به واقع، وظیفه دادگاه احراز درست یا غلط بودن اظهارات خوانده نیست، بلکه ممکن است در مواردی، هر چند که موضوع اظهارات گفته شده غلط باشد و همچنین اکثریت اشخاص درست اندیش جامعه آن موضوعات

1. Ordinary, reasonable and fair-minded

2. See: *Charleston v. News Group Newspapers* [1995] 2 All ER 313.

3. *Skuse v. Granada Television* 1996; *Bonnick v. Morris and Another* (2002)

4. *Peck v. Tribune Co.*, 214 U.S. 185 (1909)

را نفی کنند، اما همچنان در نظر گروهی از افراد ضد شهرت تلقی شود (Keeton et al., 1984: 777-778).

در حقوق ایران از عبارت «عرفیات جامعه» در قانون استفساریه استفاده شده است؛^۱ بنابراین بررسی می‌شود که آیا از منظر یک شخص متعارف، اظهارات ضد شهرت بوده یا خیر؛ لذا با توجه به این که قانون‌گذار نمی‌تواند همه مصادیق اظهارات ضد شهرت را با جزئیات بیان نماید، معیار نوعی را پذیرفته است. برخی از حقوق‌دانان برای نشان دادن اهمیت عرف در تعیین مصادیق قواعد حاکم بر حقوق مسئولیت مدنی و در واقع، ارجاع گسترده مسئولیت مدنی به عرف از عنوان «اصل عرفی بودن مسئولیت مدنی» استفاده کرده‌اند (یزدانیان، ۱۳۹۵/۱: ۳۵۶-۳۵۸).

ثانیاً، همان‌طور که در پرونده نورمن^۲ ذکر شد، برای تشخیص اظهارات ضد شهرت بایستی تمام شرایط، اوضاع و احوال حاکم بر موضوع را بررسی کرد و با توجه به جمیع شرایط موجود، حکم به وجود یا عدم اظهارات ضد شهرت داد. به بیان بهتر، باید دید که اظهارات ذکر شده در چه موقعیت و زمینه‌ای ایراد شده‌است (Elliot & Quinn, 2017: 233).

ثالثاً، در حقوق انگلیس و آمریکا، اظهارات ضد شهرت به دو دسته تقسیم می‌شود: نخست، اظهارات مورد نظر به نحوی است که فی‌نفسه و بدون نیاز به قراین خارجی، ضد شهرت بودن آن واضح است؛ یعنی معنای اولیه عبارات گفته شده به شکلی است که ضد شهرت بودن آن به راحتی استنباط می‌شود؛ دوم، ضد شهرت بودن اظهارات از خود عبارات بیان شده به دست نمی‌آید (همان معنای اولیه)؛ بلکه برای اثبات موضوع، حتماً نیازمند مورد نظر قرار دادن ادله خارج از آن عبارات است که این دسته موسوم به «کنایه»^۳ است.^۴

در حقوق ایران قانون استفساریه به هتک حیثیت صریح یا ضمنی اشاره کرده است؛ بنابراین اگر اظهارات به صورت صریح یا ضمنی و یا به صورت مستقیم یا

۱. در ماده ۱۶ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ نیز موضوع به عرف ارجاع داده شده است.

2. Norman v. Future Publishing (1998)

3. Innuendo

۴. برای ملاحظه اقسام کنایه‌ها (True and false innuendo)، بنگرید به: Cooke, 2007: 403;

Giliker, 2017: at 13-013; Steele, 2014: 675

غیر مستقیم مشتمل بر محتوای ضد حیثیت و شهرت باشد، خواهان مسئولیت خواهد داشت.

۲-۴. انتساب

تحقق مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت منوط به انتساب اظهارات ضد شهرت به زیان دیده است (Finch & Fafinski, 2017: 205-206). انتساب به دو صورت صریح یا ضمنی محقق می‌شود. هنگامی که زیان دیده در اظهارات ضد شهرت نام برده شده باشد، احراز مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت دشوار نخواهد بود، اما گاه به صورت ضمنی و با توجه به قرائن، امکان احراز این نوع از مسئولیت مدنی وجود دارد. در حقوق انگلیس و آمریکا، معیار بررسی این نوع از انتساب آن است که شخص متعارف ادعان نماید که این اظهارات با توجه به مستندات موجود منتسب به فلان شخص است، سوای از این که نامی از وی برده شده باشد یا خیر (Harpwood, 2000: 375-376; Franklin et al., 2017: 288).

در این خصوص اشاره به چند نکته لازم است:

نخست، برای انتساب، زمان انتشار اظهارات ملاک است؛ در برخی موارد، در زمان انتشار اظهارات امکان انتساب آن به شخص خاص وجود ندارد، اما بعد از مدتی، ممکن است آن اظهارات به اشخاصی قابل انتساب باشد. در این موقعیت، منتشرکننده مسئول نیست؛ با این حال، همان‌طور که در پرونده تامسون^۱ بیان شد، دادگاه‌ها این قاعده را در مواردی که خوانندگان اظهاراتی را ابتدائاً منتشر می‌کنند که منتسب به شخص خاصی نیست لیکن بعداً در انتشار بعدی بیانات مشخص می‌شود که منظور از اظهارات اولیه چه کسی بوده، اعمال نمی‌کنند (Giliker, 2017: at 13-015). اظهارات اولیه نباید پوششی برای پنهان‌کاری ناقضان حق باشد؛ به طوری که مطالب دلخواه را مطرح کنند؛ سپس در انتشار بعدی شخص مورد نظر را معرفی کنند و مدعی شوند که انتساب مطالب در زمان اولین انتشار مدنظر بوده، نه در زمان انتشار ثانوی مطالب.

دوم، در صورتی که اظهارات ضد شهرت مشتمل بر یک نام فرضی باشد که بر حسب اتفاق، این نام در عالم خارج مصداق داشته و منجر به زیان شخص شود،

1. Hayward v. Thompson (1982)

تکلیف چیست؟ در حقوق انگلیس، این موضوع در پرونده هولتون^۱ مطرح شد. در این پرونده، خواندگان مطلب ضد شهرتی را علیه شخصی فرضی به نام «جونز» که در جنوب لندن در پکهام نگهبان یک کلیسا بود منتشر کردند. حسب اتفاق، در آن محل وکیل دادگستری به همان نام وجود داشت که البته نگهبان کلیسا نیز نبود. پس از اقامه دعوا، دادگاه، به رغم این که خواندگان قصد انتساب اظهارات ضد شهرت را به خواهان نداشتند، به نفع وی رأی داد (Cooke, 2007: 404).

در حقوق آمریکا، غالب دادگاه‌ها برای پاسخ به این موضوع از تست «از و مربوط به»^۲ بهره می‌برند. مطابق این تست، پرسش اساسی برای حل این موضوع آن است که آیا یک انسان متعارف با در نظر گرفتن شرایط موجود در آن اظهارات و آنچه که در واقعیت وجود دارد، انتساب اظهارات علیه فرد فرضی به فرد واقعی را می‌پذیرد یا خیر (Savare, 2004: 140). با توجه به این که این معیار به نحو مطلوبی روشن نیست، دادگاه‌ها ملاک‌هایی در این زمینه ارائه داده‌اند که یکی از این ملاک‌ها، «تشابه در نام فرضی» است. به خلاف حقوق انگلیس که از استفاده از نام فرضی به عنوان یکی از عوامل انتساب نام برده‌اند، در رویه قضایی آمریکا در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد و رویه غالب آن است که صرف وجود تشابه در نام و حتی برخی از مشخصات دیگر برای صدق انتساب کفایت نمی‌کند (Savare, 2004: 143). این رویکرد در پرونده آگیلار^۳ توسط دادگاه تجدید نظر تأیید شد. به نظر می‌رسد که در حقوق ایران نیز نباید صرف تشابه در نام فرضی را موجب مسئولیت خواننده دانست، بلکه بایستی قرائن و امارات به حدی قوی باشند که دادرسی به این نتیجه برسد که منظور از نام فرضی دقیقاً همان خواهان است؛ در غیر این صورت، تحمیل مسئولیت مدنی صحیح نخواهد بود.

سوم، در مواردی ممکن است منتشرکننده قصد انتشار مطلب یا عکس، از شخص خاصی را داشته باشد که این اسم یا عکس، به طور اتفاقی با اسم و تصویر فرد دیگری مشابهت دارد و در این موقعیت، سوال آن است که آیا فرد منتشرکننده مسئول می‌باشد یا خیر؟ در حقوق انگلیس در پرونده *Newstead v. London Express*

1. *Hulton & Co v. Jones* (1910)

2. The "Of and Concerning" test

3. *Aguilar v. Universal City Studios, Inc.*, (1985)

(Newspapers Ltd 1940)، خواننده مطلبی را در خصوص نیوزتد سی ساله از کامبرول مبنی بر ارتکاب جرم تعدد زوجات منتشر کرد. خواهان که دقیقاً با همین مشخصات در همان محل زندگی می‌کرد و مجرد بود، علیه خواننده به دلیل انتشار مطالب ضد شهرت اقامه دعوا کرد. به‌رغم این‌که خواننده قصد انتساب این مطالب را به خواهان نداشت، دادگاه علیه او رأی داد، اما در پرونده (O'Shea v. MGN Ltd 2001)، خواننده با رضایت یک خانم، عکس وی را به صورت مستهجن در سایت روزنامه منتشر کرد. شخص دیگری (خواهان) به این استناد که این عکس، با وی شباهت دارد و آشنایان او تصور می‌کنند که این عکس منتسب به اوست، علیه روزنامه اقامه دعوا کرد. به خلاف رأی پیشین، دادگاه به استناد ماده ۱۰ قانون حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸^۱ که حق آزادی بیان را به رسمیت شناخته است و با عنایت به این نکته که انتشار عکس نیز نوعی از بیان محسوب می‌شود، به ضرر خواهان رأی داد. وانگهی اگر قرار باشد که منتشرکننده یک تصویر که مشابه آن در عالم خارج وجود دارد، مسئول شناخته شود، یک مسئولیت سنگین به لحاظ اثباتی بر عهده وی قرار می‌گیرد که قبل از انتشار هر عکس، به طور کامل بررسی کند که هیچ‌کس مشابه عکس انتشار یافته نیست؛ این نوع از برخورد با آزادی بیان غیر منطقی خواهد بود (El-liot & Quinn, 2017: 235-236).

در حقوق ایران نیز می‌توان موضع اخیر دادگاه انگلیسی را از منظر تقصیر توجیه کرد. در این مواقع خواهان نسبت به شخصی که ادعای مشابهت در مشخصات را دارد، تقصیری انجام نداده است تا دادگاه بتواند او را نسبت به شخص اخیر (و نه شخصی که خواهان در واقع امر می‌خواهد علیه او اظهارات ضد شهرت بیان و منتشر نماید) مسئول بداند؛ چه آن‌که، عرفاً این امکان برای منتشرکننده وجود ندارد که پیش از انتشار هر مطلبی به طور قطع اطمینان یابد که به جز شخص مورد نظر، شخص دیگری نیز احیاناً به دلیل مشابهت در مشخصات از انتشار مطالب زیان نخواهد دید. چهارم، ممکن است ناقص، مطلب ضد شهرتی را علیه یک گروه یا دسته‌ای از اشخاص منتشر کند. در حقوق انگلیس و آمریکا، دو موضوع از یکدیگر تفکیک شده است:

1. Human Rights Act 1998

در فرض نخست، تعداد اعضای گروه و دسته محصور نیست یا تعداد این اعضا زیاد است. در این صورت، به دلیل عدم قابلیت انتساب اظهارات ضد شهرت به تک تک افراد درون آن گروه یا دسته، مسئولیت مدنی محقق نشده و هیچ یک از اعضا نمی‌تواند علیه منتشرکننده اقامه دعوا کند. به این موضوع در دعوی معروف ناپفر علیه روزنامه لندن اکسپرس^۱ در سال ۱۹۴۴ اشاره شد (Markesinis & Deakin, 2019: 638)؛ پس اگر گفته شود که تمام وکلا دزد هستند، این امر موجب نمی‌شود که هر کدام از وکلا اختیار اقامه دعوا علیه گوینده را داشته باشند (Keeton et al., 1984: 784).

در فرض دوم، اعضای گروه یا دسته محدود و منحصر یا تعداد اعضای گروه کم است که در این صورت، به دلیل انتساب اظهارات ضد شهرت علیه آن گروه، تک تک افراد حق اقامه دعوی مسئولیت مدنی علیه گوینده را دارند (Franklin et al., 2017: 290).

در حقوق ایران نیز همین نتیجه را می‌توان پذیرفت. هنگامی که مطلب ضد شهرتی علیه یک گروه با اعضای زیاد محصور یا نامحصور مطرح شود، اثبات انتساب آن الفاظ به تک تک افراد بسیار دشوار است؛ بنابراین امکان اقامه دعوا توسط ایشان به دلیل عدم امکان احراز رابطه سببیت وجود ندارد. به عکس، اگر تعداد اعضای گروه کم باشد، هر یک می‌توانند در صورت اثبات سایر ارکان عمومی مسئولیت مدنی و ارکان خصوصی مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت اقامه دعوا و مطالبه خسارت کنند.

۳-۴. انتشار

شرط دیگر، انتشار اظهارات ضد شهرت است. صرف بیان اظهارات ضد شهرت به خود زیان دیده برای تحقق این نوع از مسئولیت مدنی کفایت نمی‌کند.^۳ ضرورتاً بایستی شخص ثالثی در این میان وجود داشته باشد تا آن اظهارات به آگاهی وی برسد (Edwards & Cull, 2022: 400). گاه ترک فعل نیز به صورت استثنایی می‌تواند موجب مسئولیت شود؛ در واقع، در مواردی ممکن است تکلیف به جلوگیری

1. Knupffer v. London Express Newspaper Ltd

2. See: Stern, 2008: 957.

3. Pullman v. W. Hill & Co. Ltd

از انتشار اظهارات ضد شهرت قانوناً یا عرفاً بر شخصی تحمیل شود، در این صورت، اگر فرد یادشده اقدام به حذف مطالب ضد شهرت نکند، می‌توان این ترک فعل را موجب مسئولیت مدنی تارک فعل دانست. مثلاً، اگر شخص «الف» بر دیوار کلوب شخص «ب» اظهارات ضد شهرتی را علیه شخص «ج» منتشر کند، در صورتی که «الف» امکان اقدام برای پاک کردن دیوار را داشته باشد و اقدام نکند، مسئول است (Markesinis & Deakin, 2019: 642).

در حقوق انگلیس و آمریکا وجود یک شخص ثالث برای محقق شدن مفهوم انتشار کافی است (Long & Dobbins Baxter, 2020: 783). همچنین نحوه اطلاع‌رسانی نسبت به موارد ضد شهرت اهمیتی ندارد. مهم آن است که اظهارات ضد شهرت به اطلاع دیگران برسد، خواه از طریق روزنامه، شبکه‌های اجتماعی، شفاهی، کتبی و ... باشد (Cooke, 2017: 442). در کُنه مفهوم انتشار، فهم شخص ثالث نیز نهفته است؛ شخص ثالثی که مخاطب اظهارات است، باید مفاد این اظهارات را متوجه شود؛ پس اگر اظهارات ضد شهرت به زبان انگلیسی بیان شود و مخاطب متوجه مفهوم عبارات به کار رفته نشود، نمی‌توان حکم به وجود مسئولیت مدنی داد (Giliker, 2017: at 13-018).

در خصوص این رکن چند نکته شایسته بیان است:

نخست، اثبات عدم قابلیت پیش‌بینی معقول انتشار اظهارات ضد شهرت توسط خواننده، در رویه قضایی انگلیس و آمریکا به عنوان یک عامل دفاعی مطرح شده است. در پرونده هوث^۱ خواننده مطلب ضد شهرتی را در یک نامه برای خواهان فرستاد. در این میان، خدمتکار خواهان به صورت مخفیانه نامه را خواند و از اظهارات ضد شهرت آگاه شد. دادگاه به دلیل عدم قابلیت پیش‌بینی مطالعه نامه توسط خدمتکار، موضوع را مشمول عنوان انتشار ندانست و به نفع خواننده رای داد یا در قضیه ریچاردسون^۲ خواننده نامه‌ای متضمن اظهارات ضد شهرت را به درون خانه خواهان انداخت و همسر خواهان آن را مطالعه نمود. دادگاه بیان داشت که با توجه به این که خواندن نامه توسط همسر خواهان قابل پیش‌بینی بوده، به نفع خواهان رای داد

1. Huth v. Huth (1915)

2. Theaker v. Richardson (1962)

(Elliot & Quinn, 2017: 237).

دوم، انتشار اظهارات ضد شهرت میان برخی از اشخاص واجد مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت نخواهد بود. به طور سنتی در حقوق کامن لای انگلوآمریکایی، مطرح شدن مطالب ضد شهرت میان زوجین مشمول اصطلاح انتشار نخواهد بود (Keeton et al., 1984: 824). ریشه این موضوع به دورانی بازمی‌گردد که معتقد بودند زن و شوهر دارای هویت مشترک هستند (McBride & Bagshaw, 2018: 556)؛ با این حال، به نظر می‌رسد که در حال حاضر پذیرش عدم مسئولیت به دلیل انتشار اظهارات ضد شهرت میان زوجین در حقوق ایران قابل پذیرش نباشد و تفاوتی نمی‌کند که شخصی که از اظهارات ضد شهرت آگاه می‌شود، یکی از زوجین باشد یا هر شخص دیگری. از این بالاتر، در جامعه فعلی، هویت زوجین مشترک نیست و ایشان از یکدیگر مستقل هستند.

سوم، سنت حقوق انگلیس آن است که هر انتشار اظهارات ضد شهرت مساوی با یک سبب مستقل برای تحقق مسئولیت مدنی است (قاعده تعدد انتشار).^۲ اگر یک اظهار ضد شهرت مطرح شود و مجدد مفاد آن بازنشر داده شود، هر تکرار برابر است با یک سبب جداگانه ایجاد مسئولیت مدنی. این رویکرد در حقوق انگلیس قابل انتقاد می‌نمود؛ اگر یک مطلب ضد شهرت در سایت یک خبرگزاری منتشر می‌شد، با مراجعه هر شخص به آرشیو سایت، ناشر مجدداً مسئول قلمداد می‌شد. در سال ۲۰۱۳ این رویه به موجب ماده ۸ قانون هتک شهرت^۳ اصلاح شد. به موجب این ماده، قاعده «یک بار انتشار»^۴ همچنان که در حقوق آمریکا توسط اغلب دادگاه‌ها و بند الف ماده ۵۷۷ دومین بازتیین مسئولیت مدنی پذیرفته شده، در حقوق انگلیس به رسمیت شناخته شد؛ بدین معنی که، در صورت انتشار یک مطلب ضد شهرت به صورت مکرر، خواننده صرفاً برای نخستین انتشار مسئولیت دارد؛ مگر این که، شیوه انتشار این مطلب اساساً تغییر کرده باشد (بند ۵ همان ماده).

۱. برای ملاحظه آراء در حقوق آمریکا، بنگرید به: Franklin et al., 2017 283.

2. Multiple publication rule

3. Defamation Act 2013

4. Single publication rule

۴-۴. ورود زیان

در حقوق انگلیس تا قبل از سال ۲۰۱۳، هتک شهرت ماندگار «به خودی خود»^۱ موجب مسئولیت بود و خواهان برای اقامه دعوا نیازی به اثبات وقوع «زیان خاص»^۲ نداشت. منظور از زیان خاص، زبانی است که قابل ارزیابی به پول باشد (Harpwood, 2009: 372). به عنوان مثال، در دعوی *South Hetton Coal v NE* News، خواننده به دلیل انتشار این مطلب که خواهان محیط مناسب و بهداشتی برای کارگزارانش فراهم نکرده است، محکوم شد؛ بدون این که خواهان نیاز به اثبات ورود ضرر داشته باشد (میرشکاری و آزادبخت، ۱۴۰۱: ۵۱). این رویه پس از تصویب قانون هتک شهرت در سال ۲۰۱۳ تغییر یافت. بر اساس بند ۱ ماده ۱ قانون مزبور، اظهارات در صورتی هتک شهرت است که باعث «صدمه جدی یا احتمال صدمه جدی» به شهرت زیان دیده شود؛ بنابراین تا زمانی که ورود زیان جدی یا احتمال ورود این زیان توسط خواهان اثبات نشود، امکان پیروزی در دعوی مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس وجود ندارد. البته، همان طور که در پرونده کوک^۳ مطرح شده، در همه موارد نیازی به اثبات این رکن وجود ندارد؛ چه آن که، در برخی موارد هتک شهرت به شکلی است که به وضوح ورود زیان، بدون ارائه مدرک توسط خواهان قابل احراز است (Cook, 2017: 430).^۴ مطابق بند ۲ ماده ۱ قانون مذکور، در مورد اشخاص حقوقی تجاری قید دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه، بایستی ضرر مهم و جدی مالی^۵ به خواهان وارد شود (Acheson, 2020: 132-133). حقوق آمریکا نیز با توجه به سنت دیرینه کامن لا مبنی بر عدم نیاز به اثبات ورود زیان در هتک شهرت ماندگار، اثبات ورود زیان را لازم ندانسته و در خصوص علت آن بیان شده که با توجه به پایداری و دوام هتک شهرت ماندگار، ورود زیان به خواهان مفروض انگاشته می شود (Franklin et al., 2017: 297).

در مقابل، برای پیروزی در دعوی هتک شهرت غیرماندگار، طبق اصول

1. Per se

2. Special damages

3. *Cooke v. MGN* (2015)

۴. برای ملاحظه تفصیل این بحث، بنگرید به: Bennet, 2018: 1-16.

5. Financial loss

بایستی زیان مالی توسط زیان دیده به اثبات برسد. دلیل بیان قید «طبق اصول» آن است که این موضوع در حقوق قدیم انگلیس با چهار استثناء همراه بوده است (Cooke, 2007: 399):

نخست، انتساب جرم به زیان دیده: منظور از جرم، جرائمی است که مجازات آن‌ها زندان است؛

دوم، انتساب بیماری به زیان دیده: نسبت به دایره شمول این دسته اختلاف نظر وجود دارد، اما قدر متیقن بیماری‌ها، بیماری‌های واگیردار، مسری و عفونی است که باعث می‌شود دیگران از وی دوری کنند؛

سوم، انتساب بی‌عفتی، زنا یا مساحقه به هر شخص مونث: این موضوع بر اساس ماده ۱ قانون هتک شهرت بانوان مصوب ۱۸۹۱^۱ بیان شده است؛

چهارم، انتساب عدم صلاحیت و اهلیت شغلی، حرفه‌ای و تجاری: این قسمت نیز در ماده ۲ قانون هتک شهرت ۱۹۵۲^۲ ذکر شده است. البته، مطابق بند ۱ و ۲ ماده ۱۴ قانون جدید هتک شهرت (مصوب ۲۰۱۳)، بند ۳ و ۴ نسخ شده و بندهای ۱ و ۲ باقی مانده است.

در حقوق آمریکا، ضمن تأکید بر اثبات ورود زیان برای هتک شهرت غیرماندگار، عیناً همان استثنائات پذیرفته شده است (Edwards & Cull, 2022: 397)؛ با وجود این، در وضعیتی که شخص جرمی را به دیگری نسبت می‌دهد، دادگاه‌های آمریکایی به دو مسیر متفاوت حرکت کرده‌اند: برخی، مانند شیوه انگلیسی عمل کرده و برخی دیگر معتقدند که جرم منتسب شده باید واجد یک «رذیلت و فساد اخلاقی»^۳ باشد؛ یعنی صرف این که جرم منتهی به زندانی شدن فرد می‌شود کافی نیست (Epstein & Hall, 1990: 1096).

در حقوق ایران به خلاف حقوق انگلیس و آمریکا، بدون هیچ استثنایی، احراز ورود زیان ضروری است؛ زیرا وجود ضرر رکن اصلی مسئولیت مدنی می‌باشد و «همین امر امتیاز این نهاد حقوقی بر مسئولیت اخلاقی است» (کاتوزیان، ۱۳۹۵/۱: ۲۴۰)؛ بنابراین تفاوتی میان انواع هتک شهرت وجود ندارد. اگر خواهان می‌خواهد

1. Slander of Women Act 1891

2. Defamation Act 1952

3. Moral turpitude

خسارت مطالبه نماید، بایستی ضرر وارده به خود را اثبات کند و در غیر این صورت، امکان طرح دعوی مسئولیت مدنی علیه خواننده وجود نخواهد داشت (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی)

۵. دفاعیات هتک شهرت^۱

۵-۱. رضایت

یکی از موانع اصلی در مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت، عدم رضایت اشخاص در آسیب رساندن به شهرت ایشان است؛ بنابراین رضایت ازاله مانع می‌کند و پس از آن، دیگر خواهان نمی‌تواند علیه وی اقامه دعوا کند. از این رو، باید تبعات ناشی از این اقدام را به جان بخرد. این عامل، در حقوق انگلیس و آمریکا به عنوان یکی از معاذیر مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت مطرح شده است (Keeton et al., 1984: 823).

بر خلاف این رویکرد، در حقوق ایران رضایت زیان‌دیده در خصوص هتک شهرت اثر ندارد. شهرت در زمره حقوق معنوی مربوط به شخصیت است و با توجه به اهمیت و ارتباط حقوق شخصیت با کرامت انسانی، زیان‌دیده نمی‌تواند پیش از ورود زیان به هتک شهرت رضایت دهد (کاتوزیان، ۱۳۹۵/۱: ۳۳۹؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹: ۱۸۳-۱۸۴).

۵-۲. صحت اظهارات ضد شهرت

در بخش گذشته این نکته در تعریف هتک شهرت اشاره شد که اظهارات ضد شهرت بایستی کاذب باشند. در حقوق انگلیس، بند ۱ ماده ۲ قانون جدید هتک شهرت مصوب ۲۰۱۳ اشعار می‌دارد که اگر اظهارات ذکر شده «اساساً صحیح»^۳ باشد، خواننده می‌تواند این صحت را به عنوان دفاع مطرح نماید. منظور از این که اساساً صحیح باشد، آن است که عدم صحت در برخی جزئیات مربوط به موضوع نافی بهره‌مندی از این دفاع نیست (Steele, 2014: 683). همان‌طور که در قضیه الکساندر^۴ مطرح شد، اگر خواننده مدعی شود که خواهان سه هفته به دلیل فلان جرم به زندان

۱. صرفاً مهم‌ترین عوامل بیان خواهد شد.

2. Chapman v. Lord Ellesmere 1932 (Cooke, 2007: 410)

3. Substantially true

4. Alexander v. North Eastern Railway Co. (1856)

محکوم شده است؛ در حالی که در واقع، مدت این محکومیت دو هفته باشد، باز هم امکان استفاده از دفاع صحت وجود دارد.

در نظام حقوقی آمریکا (ماده ۵۸۱ ای دومین بازتیین مسئولیت مدنی) از صحت اظهارات ضد شهرت به عنوان دفاع نام برده است (Keeton et al., 1984: 839)؛ یعنی به لحاظ تاریخچه، حقوق آمریکا مانند حقوق انگلیس عمل می‌کرد، اما به نظر می‌رسد این رویه در طول سالیان اخیر در برخی از ایالات تغییر کرده است (Johnson, 2016: 24-27). در بعضی از ایالات، اصل بر صحت اظهارات است، مگر این‌که خواهان اثبات کند که اظهارات ضد شهرت کاذب است. نتیجه این موضع آن است که: اولاً، در این ایالات جانب حق آزادی بیان گرفته شده و ثانیاً، صحت اظهارات ضد شهرت دیگر یک دفاع نیست؛ وانگهی در حقوق آمریکا، دادگاه‌ها در صورتی که اساس مطالب صحیح باشد به خطاهای قابل مسامحه در اظهارات ضد شهرت اصولاً توجه نمی‌کنند (Epstein & Hall, 1990: 1118).

در حقوق ایران از یک سو می‌توان بیان داشت که به موجب مفهوم مخالف ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی اگر تصدیقات یا انتشارات ضد شهرت موافق واقع باشد، منتشرکننده مسئولیت ندارد. در موارد صحت اظهارات خوانده، به شهرت خواهان هیچ آسیبی وارد نشده است، بلکه شهرت وی که به صورت کاذب در یک سطح مشخصی قرار داشته، به آن جایگاه مناسبی که استحقاق داشته رسیده است (Giliker, 2017: at 14-002). از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که مفهوم مخالف ماده یادشده قابل استناد نباشد؛ به واقع، قانون‌گذار صرفاً در مقام بیان این نکته بوده که اگر انتشار مخالف واقع باشد، عامل زیان مسئولیت دارد، لکن نسبت به این موضوع که اگر انتشار موافق واقع باشد چه می‌شود، حکمی ندارد؛ بنابراین به سختی می‌توان پذیرفت که در حقوق ایران هر سخن راست و درستی به عنوان عامل دفاعی محسوب شود؛ زیرا اخلاق حاکم در جامعه ایرانی به آسانی نمی‌پذیرد که اظهارات ضد شهرت صحیح در میان اذهان عمومی منتشر و به آبروی اشخاص لطمه وارد شود. افزون بر این، در برخی موارد ممکن است اظهارات ضد شهرت صحیح باشد، اما انتشار این موضوع با تکلیف به محرمانگی اطلاعات در تنافی باشد.

در خصوص بار اثبات نیز، به نظر می‌رسد که صحت مطلب ضد شهرت

خلاف اصل باشد. در واقع، با توجه به امتزاج مساله فعلی با آبرو و حیثیت اشخاص و وضعیت کنونی جامعه ایران، بهتر است اصل بر کاذب بودن ادعا باشد؛ مگر این که خواننده موضوع را اثبات نماید. البته بر این عقیده نباید تا جایی پافشاری کرد که هدف از اصل آزادی بیان خدشه دار شود؛ بنابراین می توان در خصوص سیاست مداران، سلبریتی ها و هر آنچه که مربوط به منفعت عمومی است، اصل را بر صحت نهاد.

۳-۵. نظر صادقانه

یکی از راه های اصلی حفاظت از حق آزادی بیان، وجود دفاع نظر صادقانه^۱ در حقوق انگلیس و آمریکا است. از این دفاع به عنوان، «عنصر اساسی یا بنیادین آزادی بیان»^۲ نام برده اند (Bosland et al., 2015: 234)؛ همان طور که لرد نیکولز به درستی در دعوای رینولدز^۳ در سال ۲۰۰۱ بیان داشت (Steele, 2014: 685)، در مواردی که موضوع به حالت دیدگاه مطرح می شود، مخاطب می تواند که آن دیدگاه را رد یا تأیید کند؛ یعنی ابتدا به ساکن مخاطب این وضعیت ذهنی را دارد که به این صورت با اظهارات پیش رو برخورد کند؛ حال آن که، اگر اظهارات به صورت واقعیات مطرح شود و مخاطب بداند که این اظهارات دیدگاه نویسنده نیست، خود به خود به سمت پذیرش مطلب حرکت می کند. به عبارت بهتر، از همان لحظه مواجه شدن با متن خود را مغلوب می داند و امکان تشکیک در آن را در ذهن خود ایجاد نمی کند.

در حال حاضر و برخلاف گذشته، در حقوق انگلیس نیازی به ارتباط نظر صادقانه با منفعت عمومی نیست. بر اساس ماده ۳ قانون جدید هتک شهرت، اثبات سه شرط برای تحقق این دفاع ضرورت دارد:

نخست، اظهارات مشتمل بر اظهار نظر، عقیده و دیدگاه باشد. اظهارات بیان شده نباید به عنوان واقعیت (حقیقت)^۴ باشد، بلکه باید به عنوان دیدگاه، استنباط، استنتاج، نتیجه گیری و انتقاد باشد.^۵ البته همچنان تفکیک دقیقی میان دیدگاه و واقعیت انجام نشده است، اما در برخی موارد مشخص است که عبارات ذکر شده نشأت گرفته

1. Honest opinion

2. "Essential" or fundamental element of free speech"

3. Reynolds v Times Newspapers Ltd [2001] 2 AC 127, at 201

4. Fact

5. See: Bosland, 2015: 238-239

از عقاید و دیدگاه‌های خواننده است؛ مانند این که خواننده بگوید: «به نظر من با توجه به این ادله و ...»؛ در این صورت بدیهی است که موضوع تابع دفاع نظر صادقانه است، اما در موقعیت‌های دیگر باید این موضوع را به صورت نوعی و عرفی بررسی کرد (Mullis & Scott, 2014: 92). با این وجود، برخی از اظهارات مانند «قضایات‌های ارزشی»^۱ و «پیش‌بینی‌های مربوط به آینده» به عنوان دیدگاه در کامن‌لا مورد پذیرش قرار گرفته‌اند (McBride & Bagshaw, 2018: 568-569).

شرط دوم آن است که اساس و مبنای عقاید و دیدگاه‌های ضد شهرت به صورت کلی یا جزئی مورد اشاره قرار گیرد. دلیل وجود این شرط آن است که در زمان مطالعه مبنای آن دیدگاه، خواننده به علت بیان آن دیدگاه پی می‌برد و متوجه می‌شود که چرا نویسنده یا گوینده اظهارات ضد شهرت آن اظهارات را بیان داشته است (Elliot & Quinn, 2017: 243)؟ وقتی صحبت از اشاره می‌شود، منظور صرفاً اشارات صریح نیست. به عنوان نمونه، خواننده ممکن است در مطلب انتشار یافته، بیان کند که بدین دلایل و مدارک فلان استنتاج و عقیده قابل بیان است، اما باید اذعان داشت که در غالب موارد اشاره و استناد به اساس و مبنای عقیده به صورت ضمنی و به دلالت التزامی از اظهارات انتشار یافته قابل برداشت است. در این صورت نیز، همان‌طور که در دعوای کِمسلی^۲ تأکید شد، امکان استناد به دفاع نظر صادقانه وجود دارد (Markesinis & Deakin, 2019: 658).

شرط سوم به منصفانه بودن بازمی‌گردد. بر خلاف رویه سابق در حقوق انگلیس، ضرورتی ندارد که مبنای اظهارات خواننده صحیح باشد، بلکه سوای از صحیح یا کاذب بودن آن مبانی، مهم آن است که به این سوال پاسخ داده شود؛ آیا یک شخص منصف با توجه به مستندات که قبل از انتشار اظهارات وجود دارد، همان عقاید را بیان می‌کند یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، خواننده می‌تواند از این دفاع استفاده کند.

در حقوق آمریکا، خواننده می‌تواند از دفاع نظر صادقانه بهره ببرد؛ به شرطی که موضوع آن نظر به منفعت عمومی ارتباط داشته باشد. مسائل سیاسی، بهداشت

1. Value judgment

2. Kemsley v. Foot (1952)

عمومی، تامین آب آشامیدنی و ... از جمله این موارد هستند (Keeton et al., 1984: 831).

در حقوق ایران، همان‌طور که گفته شده، «احکام خاصی در حمایت از بیان‌های نظری مشاهده نمی‌شود جز در مورد انتقاد که قانون مطبوعات (مواد ۳ و ۲۳) و مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص ضوابط نشر کتاب (شق ۶ از بند ب ماده ۴ مصوبه) به طور مشروط از آن حمایت کرده‌اند» (انصاری، ۱۳۹۲: ۳۹).

۴-۵. منفعت عمومی

منفعت عمومی مفهومی سهل و ممتنع است. به هر حال بعضی در تعریف منفعت عمومی گفته‌اند: «می‌توان منفعت عمومی را هر آن چیزی دانست که برای عموم افراد جامعه دارای ارزش و سودمند تلقی می‌شود و همگان، امکان بالقوه استفاده از آن را خواهند داشت» (حاج‌زاده، ۱۳۹۳: ۷).

یکی از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده تعادل میان حق بر شهرت و آزادی بیان در حقوق آمریکا و انگلیس، دفاع منفعت عمومی است (Franklin et al., 2017: 302). در این دفاع، اگر خواننده اظهارات ضد شهری را که مربوط به منفعت عمومی است مطرح کند؛ حتی اگر آن اظهارات کاذب باشد، البته به شرط این‌که سوء نیتی وجود نداشته باشد، وی می‌تواند از این دفاع استفاده کرده و از مسئولیت رهایی یابد. این موضوع ابتدائاً مربوط به رسانه‌های جمعی بود.

این پرسش منطقی است که دلیل حمایت از این دسته از اظهارات حتی در زمانی که کاذب هستند چیست. در پاسخ باید گفت که اصولاً مسائل مربوط به منفعت عمومی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این اهمیت باعث می‌شود که اولاً، انتشار خبر به سرعت انجام پذیرد تا اگر موضوع ناهنجاری وجود دارد، به سرعت به اطلاع اشخاص ذی‌ربط و حتی عموم مخاطبان برسد تا برطرف شود و ثانیاً، کشف واقع نسبت به موضوع، حداقل از سوی رسانه‌ها بسیار دشوار باشد؛ بنابراین اگر قرار باشد که رسانه برای هر خبر مربوط به منفعت عمومی به دنبال کشف حقیقت باشد تا احراز کند که خبر درست هست یا خیر، قطعاً اطلاع‌رسانی در خصوص آن موضوع اهمیت خودش را از دست خواهد داد؛ وانگهی تعداد اخبار مربوط به منفعت عمومی به حدی زیاد هست که اساساً در عالم واقع این امکان وجود ندارد تا رسانه‌ها نسبت

به صحت‌سنجی مطالب مرتبط با منفعت عمومی اقدام کنند؛^۱ پس باید میان عدم انتشار یا انتشار محدود اظهارات ضد شهرت مربوط به منفعت عمومی و انتشار بدون احراز صحت یا کذب مطالب ضد شهرت مربوط به منفعت عمومی انتخاب کرد (Elliot & Quinn, 2017: 251). راه دوم مطلوب‌تر از مسیر اول است؛ زیرا عوائد حاصل از انتشار این‌گونه خبرها اصولاً در جوامع فعلی بیشتر از مضراتی است که به شهرت اشخاص وارد می‌کند.

این موضوع در حقوق انگلیس در پرونده مشهوری تحت عنوان رینولد^۲ مورد بحث قرار گرفت. در این پرونده، رینولد که در سال ۱۹۹۲ به‌عنوان نخست‌وزیر کشور ایرلند و همچنین، رهبری ائتلافی از حزب و حزب کارگر را بر عهده گرفته بود، با توجه به بحران‌های سیاسی در سال ۱۹۹۴، از این دو سمت استعفا کرد. چند روز پس از این استعفاء، روزنامه تایمز در این خصوص مطلبی منتشر نمود. رینولد ادعا کرد که منظور از مطالب منتشر شده در روزنامه و آنچه که از عبارات منتشر شده فهمیده می‌شود آن است که خواهان عمداً و غیرصادقانه اعضای کابینه و مجلس را فریب داده و دلیل استعفای او این مطلب است. در مجلس لردها بیان شد در صورتی که موضوع مربوط به منفعت عمومی باشد، مانند مسائل سیاسی، مشروط بر این‌که رسانه مذکور به شیوه «مسئولانه» رفتار کرده باشد، امکان انتشار مطالب بدون این‌که مسئولیتی متوجه رسانه شود وجود دارد. منظور از عبارت مسئولانه در این پرونده توسط لرد نیکولز با ارائه ده ملاک تبیین شده است. این معیارها که حصری نیست (Steele, 2014: 693)، عبارت است از: «جدی بودن ادعا؛ ماهیت اطلاعات و میزانی که موضوع مورد توجه عموم است؛ منبع اطلاعات؛ اقدامات انجام شده برای تأیید اطلاعات؛ وضعیت اطلاعات؛ فوریت موضوع؛ آیا نظری از خواهان در خصوص مطلب خواسته شده یا خیر؛ آیا مطالب منتشر شده حاوی اصل داستان خواهان هست یا خیر؛ لحن مطالب منتشر شده و شرایط زمان انتشار از جمله زمان انتشار».

دفاع مبتنی بر منفعت عمومی بر مبنای همین پرونده تا سال ۲۰۱۳ ادامه یافت، اما بر اساس بند ۶ ماده ۴ قانون هتک شهرت ۲۰۱۳ نسخ و با ادبیات جدید در بند

۱. در حقوق آمریکا بیان شده که رسانه‌های جمعی از استناد به این دفاع منع شده‌اند (Franklin et al., 2017: 302).

2. Reynolds v Times Newspapers Ltd [1999] 2 AC 127

۱ ماده ۴ قانون مذکور مورد اشاره قرار گرفت. مطابق این بند: «در صورت اثبات موارد ذیل، برای خواننده دعوای هتک شهرت دفاع محسوب می‌شود: الف- اظهارات منتشرشده متضمن (کلاً یا بخشی از) اظهارات مرتبط با منفعت عمومی است؛ ب- خواننده به نحو معقول اعتقاد داشته‌باشد که انتشار اظهارات مرتبط با منفعت عمومی بوده‌است».

بر خلاف رأی رینولد که محدود به رسانه‌ها بود، دفاع منفعت عمومی در قانون جدید منحصر به رسانه‌ها نبوده و همه اشخاصی که در خصوص منفعت عمومی مطلبی منتشر می‌نمایند را در بر می‌گیرد؛ از طرفی، در قانون جدید معیار مسئولانه بودن استفاده نشده و دو معیار شخصی و نوعی به کار رفته است؛ بدین معنا که خواننده باید اعتقاد خود مبنی بر این‌که انتشار آن اظهارات در جهت منفعت عمومی بوده را اثبات کند (شخصی)؛ افزون بر این، دادگاه باید بررسی کند که این اعتقاد در زمان انتشار اظهارات معقول بوده است یا خیر (نوعی). قانون برای احراز معقول بودن، ملاکی ارائه نداده است و دادگاه‌ها از همان معیارهای ده گانه غیرحصری دعوای رینولد استفاده می‌کنند (Giliker, 2017: at 14-024).

در حقوق ایران، در خصوص پذیرش دفاع منفعت عمومی تصریحی وجود ندارد؛ با این حال، به موجب اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خود را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد»؛ بنابراین حق بر شهرت اشخاص تا جایی محترم است که با منفعت عمومی جامعه در تعارض نباشد (میرشکاری، ۱۴۰۲: ۱۳۳) و در صورت تعارض، منفعت عمومی ارجحیت خواهد داشت. در نتیجه، به نظر می‌رسد حقوق ایران در پذیرش دفاع منفعت عمومی با تردید خاصی مواجه نیست.

برآمد

۱- نظام‌های حقوقی آمریکا و انگلیس به طور خاص اقدام به قاعده‌گذاری در زمینه نقض حق بر شهرت کرده و یک قالب خاص تحت عنوان هتک شهرت را ایجاد نموده‌اند. ارکان این دعوا عبارت هستند از: اثبات وجود اظهارات ضد شهرت، انتساب این اظهارات به خواهان، انتشار آن و اثبات ورود زیان.

۲- مبنای مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت در حقوق انگلیس، مسئولیت بدون تقصیر است. به عکس، مبنای این نوع از مسئولیت در حقوق آمریکا و ایران مبتنی بر تقصیر می‌باشد.

۳- حق آزادی بیان از جمله حقوق بنیادینی است که نباید از کنار آن بی‌تفاوت عبور کرد. تحقق معقولانه حق آزادی بیان ضامن تثبیت دموکراسی در جامعه است؛ بنابراین به حق آزادی بیان و حق بر شهرت بایستی به صورت جمعی و در کنار هم نگریسته شود. بدین منظور و برای تعادل‌بخشی میان این دو حق، در حقوق دو کشور آمریکا و انگلیس دفاعیات مربوط قالب هتک شهرت مطرح شده‌است که در این نوشتار به برخی از مهم‌ترین آن‌ها مانند رضایت خواهان، منفعت عمومی و ... پرداخته شد.

۴- به‌رغم بحث‌های عمیق در مسئولیت مدنی کامن‌لای آمریکایی انگلیسی، در حقوق ایران بررسی این موضوع از منظر مسئولیت مدنی مغفول مانده و عمده مباحث متمرکز بر جنبه کیفری هتک شهرت از طریق نهادهایی مانند توهین و افتراء است. البته در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی به صورت گذرا و بدون ذکر جزئیات، از حقی به نام «شهرت» نام برده شده است، اما این مسأله با توجه به جزئیات عمیق آن در بوته اجمال باقی مانده‌است. بر این بنیاد، نگارندان معتقد است که می‌توان از دست‌آوردهای دو نظام حقوقی موصوف برای عمق‌بخشی به موضوع مسئولیت مدنی ناشی از هتک شهرت در حقوق ایران استفاده نمود. این موضوع به معنای عدم توجه به اختصاصات موجود در نظام حقوقی ایران و حرکت به سوی نوآوری در این زمینه نیست.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * اسماعیلی، محسن (۱۴۰۲)، امکان‌سنجی جبران مادی خسارت‌های معنوی، چاپ نخست، تهران: دانشگاه تهران.
- * امیری، احمد، مبین، حجت، خورسندیان، محمدعلی و حیدری، سیروس (۱۴۰۰)، «مسئولیت مدنی ناشی از آسیب به شخصیت مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و انگلیس»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۸، شماره ۳.
- * انصاری، باقر (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت در رسانه‌ها»، پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۹، شماره ۲.
- * انصاری، باقر (۱۳۹۲)، «حمایت از حرمت اشخاص در برابر آزادی بیان»، فصل‌نامه علمی رسانه، دوره ۲۴، شماره ۲.
- * انصاری، باقر (۱۴۰۰)، حقوق حریم خصوصی، چاپ ششم، تهران: سمت.
- * بابایی، ایرج (۱۳۹۴)، حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد، چاپ نخست، تهران: میزان.
- * بابایی، ایرج (۱۴۰۱)، نظریه عمومی مسئولیت مدنی، چاپ نخست، تهران: شهر دانش.
- * تخشید، زهرا (۱۳۹۸)، «معیار شهرت عمومی در دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از بدگویی و نقض حریم خصوصی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۳، شماره ۴.
- * حاج‌زاده، هادی (۱۳۹۳)، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی: بررسی مفهوم منفعت عمومی، پژوهشکده شورای نگهبان.
- * شرقی، مرضیه و عامری، پرویز (۱۳۹۸)، «مسئولیت مدنی ناشی از افترا در نظام حقوقی کامن‌لا با رویکرد تطبیقی در حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۳، شماره ۲.
- * صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۷)، مسئولیت مدنی تطبیقی، چاپ نخست، تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
- * صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۹)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج

- از قرارداد)، چاپ سیزدهم، تهران: سمت.
- * عباسلو، بختیار (۱۳۹۴)، مسئولیت مدنی (نگرش تطبیقی)، چاپ دوم، تهران: میزان
- * قاسمی عهد، وحید و کوشش کار، ریحانه (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی جبران خسارت معنوی هتک حیثیت اشخاص در نظام حقوقی ایران و انگلستان»، دانش حقوق مدنی، دوره ۸، شماره ۱.
- * کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید: مطالعه انتقادی و تطبیقی در تعادل حقوق تولیدکننده و مصرف کننده، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- * میرشکاری، عباس (۱۳۹۶)، حقوق شخصیت و حقوق مسئولیت مدنی در اروپا، چاپ نخست، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- * میرشکاری، عباس (۱۳۹۹)، «تزام حق اشخاص مشهور با آزادی بیان در نظام‌های حقوقی آمریکا، فرانسه، آلمان و ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۴، شماره ۱۱۰.
- * میرشکاری، عباس (۱۴۰۲)، حق جلوت: تحلیل رویکرد نظام حقوقی در برابر بهره‌برداری تجاری از شهرت دیگری، چاپ نخست، تهران: دانشگاه تهران.
- * میرشکاری، عباس و حسینی، فاطمه سادات (۱۴۰۲)، «مطالعه تطبیقی روش جبران زیان معنوی با تأکید بر رویکرد رویه قضایی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۱.
- * میرشکاری، عباس و آزادبخت، شبیر (۱۴۰۱)، «مطالعه قابلیت مطالبه زیان معنوی از سوی شرکت‌های تجاری»، دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره ۲۷، شماره ۹۷.
- * نقیبی، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- * نوین، پرویز (۱۳۹۸)، حقوق مدنی ۴: مسئولیت مدنی تطبیقی ایران- فرانسه- انگلستان، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
- * هاشم‌بیگی، حمیدرضا (ترجمه و تخلص) (۱۴۰۰)، فرهنگ حقوقی آکسفورد: مقایسه با قوانین و مقررات داخلی به همراه نمایه فارسی، چاپ سوم، تهران: طرح نوین اندیشه.

* یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵)، حقوق مدنی، حقوق تعهدات: قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، جلد نخست، چاپ نخست، تهران: میزان. ب. انگلیسی

* Acheson, David Jackman. (2020), **Corporate defamation in English law: corporate reputation, freedom of speech and the Defamation Act 2013**, PhD diss., University of Portsmouth.

* Bennett, Thomas DC. (2018), "**Why so serious? Lachaux and the threshold of 'serious harm' in section 1 Defamation Act 2013.**", *Journal of Media Law*, Vol. 10, No. 1.

* Bosland, Jason, Kenyon Andrew T., & Walker, Sophie. (2015), "**Protecting Inferences of Fact in Defamation Law: Fair Comment and Honest Opinion.**", *The Cambridge Law Journal*, 74, No. 2.

* Cane, Peter. (1997), **The Anatomy of Tort Law**. Oxford: Hart Publishing.

* Cooke, John. (2017), **Law of Tort**. 13th edition, London: Pearson education Limited.

* Cooke, Philip. (2007), **Law of Tort**. 8th edition, London: Longman.

* Edwards, J. Stanley & Cull, Traci. (2022), **Tort Law**. 7th edition, Boston: Cengage Learning.

* Elliott, Catherine & Quinn, Frances. (2017), **Tort Law**. 11th edition, London: Pearson Education Limited.

* Epstein, Richard A. & Hall, James Parker. (1990), **Cases and Materials on Torts**. 5th edition, Boston: Little, Brown and Company.

* Finch, Emily, & Fafinski, Stefan. (2017), **Law Express: Tort Law**. 6th edition, London: Pearson UK.

* Franklin, Marc A, Cardi, W. Jonathan & Green Michael D. (2017), **Gilbert Law Summaries on Tort**. 25th edition, U.S.A: Gilbert.

- * Franklin, Marc A. & Rabin, Robert L. (1996), **Tort Law and Alternatives: Cases and Materials**. 6th edition, New York: The Foundation Press.
- * Garner, Bryan A. (2004), **Black's Law Dictionary**. 8th edition, Thomson West.
- * Giliker, Paula. (2017), **Tort**. 6th edition, London: Sweet & Maxwell.
- * Harpwood, Vivienne H. (2000), **Principles of Tort Law**. 4th edition, London: Cavendish Publishing Limited.
- * Harpwood, Vivienne H. (2009), **Modern tort law**. 7th edition, London: Routledge-Cavendish.
- * Johnson, Vincent R. (2016), **"Comparative defamation law: England and the United States."**, U. Miami Int'l & Comp. L. Rev. No. 24.
- * Keeton, W. Page, Dobbs, Dan B., Keeton, Roberi E., Owen, David C. (1984), **Prosser And Keeton On Torts**. 5th edition, Minnesota: West Publishing Co.
- * Long, Alex B. & Dobbins Baxter, Teri. (2020), **Torts: A Modern Approach**. North Carolina: Carolina Academic Press.
- * Markesinis, Basil and Deakin, Simon. (2019), **Markesinis and Deakin's tort law**. 8th edition, United Kingdom: Oxford University Press.
- * McBride, Nicholas J and Bagshaw, Roderick. (2018), **Tort Law**. 6th edition, London: Pearson Education Limited.
- * Mitchell, Paul. (2005), **The Making of Modern Law of Defamation**. Oxford: Hart Publishing.
- * Mullis, Alastair, and Scott, Andrew. (2014), **"Tilting at windmills: The Defamation Act 2013."**, Modern Law Review, Vol. 77, No. 1.
- * Peel, W. E. & Goudkamp, J. (2014), **Winfield & Jolowicz Tort**.

19th edition, London: Sweet & Maxwell.

* Prosser, William L. (1960), "**Libel Per Quod.**", Virginia Law Review, Vol. 46, No. 5.

* Samson, Elizabeth. (2011), "**The Burden to Prove Libel: A Comparative Analysis of Traditional English and US Defamation Laws and the Dawn of England's Modern Day.**", Cardozo J. Int'l & Comp. L. No. 20.

* Savare, Matthew. (2004), "**Falsity, Fault, and Fiction: A New Standard for Defamation in Fiction.**", UCLA Ent. L. Rev., No. 12.

* Steele, Jenny. (2014), **Tort Law: Text, Cases, and Materials.** 3th edition, London: Oxford University Press.

* Stern, Nat. (2008), "**The Certainty Principle as Justification for the Group Defamation Rule.**", Ariz. St. LJ, No. 40.

* Youm, Kyu Ho. (2008), "**Liberalizing British Defamation Law: A Case of Importing the First Amendment?**", Communication Law and Policy, Vol. 13, No. 4.

* Youm, Kyu Ho. (2011), "**Actual Malice in US Defamation Law: The Minority of One Doctrine in the World.**", J. Int'l Media & Ent. L. No. 4.